

## خبرها

**جلیلی: برای دان از خدا عذرخواهی کردم**



آژانس هنر : ابوالفضل جلیلی در نشست در حاشیه جشنواره فیلم دانشجویی گفت : اصلاً نمی‌توانم تلویزیون بینم و دو سال یک‌بار به سینما می‌روم چرا که در سالن سینما خوابم می‌گیرد. اما یک شب ساعت یازده تلویزیون یک فیلم خشن و وحشتناک پخش می‌کرد که همسر و فرزندم پای فیلم نشستند و بودند. از آنها خواستم تلویزیون را خاموش کنند چرا که این فیلم بسیار تلخ است. فرزندم در پاسخ به من گفت : فیلم‌های تو که از این فیلم تلخ‌ترند؟! از آنجا بود که آثارم را مرور کردم و دیدم فیلمی به نام «دان» را ساخته‌ام که خیلی تلخ است و همان‌جا از خدا عذرخواهی کردم اما درباره دیگر فیلم‌هایم چنین اعتقادی ندارم.

## اعلامی: به نقد منصفانه بپردازید

**مهر :** اعلامی درباره آخرین ساخته‌اش که قرار است به‌زودی اکران شود گفت : طرز برخورد و رفتار برخی از سینمایی‌نویس‌ها و نشریات با فیلم «رازها» در طول جشنواره سال ۸۳ و بعد از آن نقطه سیاه و تاسف‌باری

در تاریخچه نقدنویسی و نشان‌دهنده اوضاع وخیم فرهنگی بود. نوشته‌های به‌چاپ رسیده درباره این فیلم بدون‌تردید نشان‌دهنده این بود که یا نویسنده فیلم را ندیده یا به‌عنوان نقدنویس از درک ساده‌ترین نکات فیلم عاجز بوده‌است. امیدوارم منتقدان سینمایی فیلم را با دقت ببینند و فقط به بررسی و نقد منصفانه آن بپردازند. در «رازها» امین تارخ، میترا حجار، ایرج نوزدی، فریزر میثاقی به ایفای نقش می‌پردازند.

**حقیقی: ایهام به کمک هنرمندان ایران آمد**
**فارس :** رویترز به نقل از مانی حقیقی نوشته‌است : همیشه این مشکل وجود داشته‌که هرگاه با یک نوع محصول فرهنگی روبه‌رو می‌شوید، به‌دنبال لایه‌هایی پنهان در آن می‌گردند و این کار را برای کسانی چون من

که خواهان روایت داستانی ساده و روشنی هستم، مشکل کرده‌است. به گزارش فارس رویترز نوشت : «حقیقی» در پایان اکران فیلم خود در نیویورک خطاب به حضار گفت : وقتی در برلین بودم، عده‌ای از مخالفان سیاسی و تندرو نظام پیش من آمده و گفتند : حقیقتاً فیلم خوبی ساخته‌اید، آن‌سنگ نشانه‌نظام اسلامی ایران بود و سرانجام آن چند نفر آن را سرتیگون کردند و زمانی که به ایران بازگشتم، عده‌ای از وزارت ارشاد اسلامی پیش من آمدند و گفتند : فیلم بسیار خوبی بود؛ خواست خدا در برابر ناتوانی بشر. رویترز اضافه کرد : این کارگردان ایرانی گفت به شیوه کنایه‌آمیز و با زبانی شعرگونه و سراسر معنا صحبت کردن از خصوصیت‌های فرهنگی ایرانیان است. با آنکه سانسور از فاکتورهای اصلی سینمای بعد از انقلاب اسلامی و حتی قبل از آن محسوب می‌شده ولی اغلب ایهام ذاتی موجود در زبان فارسی به کمک هنرمندان آمده تا آنها مجبور به تحمل سانسور نشوند.

## پناهی: فیلم‌های آسیایی علاقه‌ای در مسئولان کن پریمی انگیزد

آژانس هنر : جعفر پناهی کارگردان فیلم سینمایی «آفساید» که به دعوت انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران در نمایشگاه مطبوعات حاضر شده بود گفت : به‌نظر می‌رسد، جشنواره‌های سینمایی اروپا باردیگر توجه خود را معطوف به سینمای آمریکا و اروپا کرده‌اند و دیگر فیلم‌های آسیایی علاقه چندانی را در نزد آنان برنمی‌انگیزد. وی افزود : در جشنواره کن امسال تنها چین از میان کشورهای آسیایی حضوری پررنگ دارد و فیلم‌های دیگر کشورهای آسیایی همانند ژاپن، کره و تایوان نتوانسته‌اند به این جشنواره راه یابند.

## داوودنژاد: مراسم ختم هوو را بگیرید

**سینمای ما :** علیرضی داوودنژاد کارگردان فیلم «هوو» نسبت به وضعیت اکران عمومی این فیلم معترض است. وی معتقد است سینما ماندانا که پرفروش‌ترین سینمای نمایش‌دهنده فیلم هوو بود از گذشته و درحالی‌که طی این دو هفته این سینما به پرفروش‌ترین سینمای «هوو» تبدیل شده‌بود، این هفته فیلم «آتش‌پس را اکران کرد. وی تأکید کرد : سینما ماندانا در آخرین هفته نمایش فیلم «هوو» حتی نتوانست سانس فوق‌العاده‌ای برای فیلم هوو در ساعت ۱۱شب در نظر بگیرد. وی در یادگردان دوره فوق لیسانس من به نام پتیر پیشاپیش در حال برگزاری مراسم ختم هوو هستند.

آژانس هنر : ابوالفضل



## گفت‌وگو با دکتر جهانگیر عیسی پور یکی از مهندسین اسپشل افکت کینگ کونگ

# نارنیا، کینگ کونگ و باند در ایران

## ساسان گلفر

■ شما از پایه گذاران انیمترونیکس هستی؟
انیمترونیکس پیش از این موجود بوده و سال‌ها پیش در هالیوود از آن استفاده شده‌است. منتها به لحاظ علمی و آکادمیک، می‌توانم بگویم اولین فردی بودم که مقطع فوق لیسانس انیمترونیکس را یک رشته آکادمیک کردم چون اولین PHD (دکتر) در این زمینه را در دنیا من گرفتم که طبیعتاً شروع بسیار سختی داشت ولی کم‌کم مقالات و سمینارهای من باعث شد که این رشته جایفتد و تثبیت شود. البته الان در هیات علمی به این نتیجه رسیده‌ایم که رشته انیمترونیکس باید از مقطع لیسانس شروع شود و طراحی دوره لیسانس این رشته به عهده من بوده که سال ۲۰۰۷ در دانشگاه «تیمز ولی» لندن در کنار فوق لیسانس این رشته به مدیریت خودم شروع خواهد شد.

■ نقش شما در تثبیت این رشته چه بوده‌است؟

ایجاد اتحاد بین هنرمند و دانشمند، و اینکه جایگاه هرکدام در این میان رشته کجاست. همچنین ایجاد یک جدول کاری منظم برای مشخص شدن اینکه هر کس چه وظیفه‌ای دارد و چگونه و تحت چه عنوانی باید کار کند و اینکه به دستور چه کسی باید کار خود را انجام بدهد. در واقع همین جداول کاری است که نشان می‌دهد چطور می‌توان در مسیر یک پروژه درست حرکت کرد و از هزینه‌های اضافی کاست. امروزه برای انجام پروژه‌ای در زمینه انیمترونیکس تقریباً همه متخصصین با چنین جدولی کار می‌کنند.

■ انیمترونیکس در ایران واژه شناخته شده‌ای نیست. ممکن است لطفاً توضیح بدهید که اصلاً انیمترونیکس چیست؟

انیمترونیکس یک واژه ادعایی است که از «انیمیشن» و «الکترونیکس» گرفته شده، و ترکیبی از دو واژه در دو حوزه مختلف است. به اجسام یا موجودات زنده سه بعدی گفته می‌شود که به صورت زنده حرکت بکنند و در زمان واقعی از آنها فیلمبرداری شود و ساختار حرکتی آنها به وسیله مکانیسم‌های درونی الکترونیکی و مکانیکی به وجود آمده باشد. در ابعاد بزرگتری که بخواهیم انیمترونیکس را بسازیم معمولاً شخص طراح انیمترونیکس یا یک هنرپیشه (وگاهی چند نفر) در قالب پوست آن مخلوق یا جسم سه‌بعدی می‌رود و به صورت سه‌بعدی آن را حرکت می‌دهد. الا در حال انجام تحقیقاتی هستیم که از ارسال سیگنال استفاده کنیم تا بتوانیم اجسام سه‌بعدی کوچکتری حتی در حد یک زنبور یا عنکبوت کوچک به وجود بیاوریم. یعنی مثلاً تمام حرکات یک عنکبوت با شش پا در ابعاد حدود یک و نیم سانتیمتر در دو سانتیمتر را تجزیه و تحلیل و طراحی کنیم و به وسیله مایکروچیپ (ریزتراشه)‌های خیلی کوچک که در بدن آن جاسازی شده از بیرون و با ارسال سیگنال از طریق کامپیوتر آن را به حرکت در بیاوریم. البته ممکن است این شبهه ایجاد شود که این یک رویات است؛ اما رویات احساس ندارد و تحرک آن ماشینی است در صورتی که انیمترونیکس خیلی طبیعی و مبتنی بر آناتومی است. من در انیمترونیکس پدیده‌ای به وجود آورده‌ام به نام «طراحی استوری بورد متحرک» که نقش معادلات ریاضی را ایفا می‌کند و البته با استوری‌پردی که در انیمیشن وجود دارد بسیار متفاوت است و خیلی تکنیکی‌تر است و مثلاً هر تک فریمی که در انیمیشن می‌بینی اینجا تقسیم‌بندی می‌شود و به ۲۴ فریم دیگر تبدیل می‌شود به این معنا که مثلاً اگر در انیمیشن در هر ثانیه ۲۴ فریم داریم در اینجا ۲۴×۲۴ فریم داریم.

■ آیا روش نصب حسگر روی بدن بازیگر، مانند فیلم «ارباب حلقه‌ها» و یا این اواخر فیلم «کینگ کونگ» که بازیگری به نام اندی سرکیس حرکات گالوم یا کینگ کونگ را ساخته، به انیمترونیکس مربوط می‌شود؟
جلوه‌های ویژه فیلم ارباب حلقه‌ها را می‌توان زیر مجموعه انیمترونیکس دانست به این صورت که صحنه‌هایی در زمان واقعی گرفته شده و با یک پدیده انیمترونیکسی ادغام شده ولی در فیلم «کینگ کونگ» کاملاً از انیمترونیکس استفاده شده‌است. باید بگویم که یکی از شاگردان دوره فوق لیسانس من به نام پتیر ریچاردسون دست‌اندرکار طراحی‌های فیلم و ساختن



نمای از فیلم وقایع نگاری تاریخی

این فیلم ایفا می‌کنیم. مدتی پیش هم فیلمی به نام «نارنیا» اکران شده که در آن هم دستی داشتم.
■ انیمترونیکس به جز در ساخت فیلم در سایر رشته‌ها هم کاربردی دارد؟
بله رابطه تنگاتنگی بین انیمترونیکس و روباتیکس وجود دارد بنابراین مهندسان روباتیکس به این رشته بسیار اهمیت می‌دهند منتها نوع نگرش در این دو رشته متفاوت است. در روباتیکس بیشتر حرکت و زمان مورد توجه است، محاسبات ریاضی اهمیت دارد و این محاسبات باید خیلی دقیق بررسی شود و به صورت اجرائی در بیاید تا یک روایت ساخته شود منتها رابطه‌ای که با بیننده ایجاد می‌شود رابطه‌ای پیچیده و احساسی نیست چون ذات روبات یک ماشین است و انسان هم توقع زیادی از آن ندارد. در انیمترونیکس همان تحركات به وجود می‌آید اما اینجا دیگر محاسبات ریاضی نقشی ندارد.

مورد استفاده بعدی انیمترونیکس در رشته بیومکانیک است پزشکیان و به خصوص جراحان بیشتر به مسئله جراحی بسیار مکانیکی نگاه می‌کردند و مثلاً وقتی می‌خواستند یک دست مصنوعی بسازند چندان به این موضوع اهمیت نمی‌دادند که رنگ پوست آن دست مصنوعی را رنگ سایر قسمت‌های بدن بیمار هماهنگی داشته باشد، اما نگرش خاص انیمترونیکس توانست یکی دیگر از موارد استفاده این رشته در تئاتر است و همچنین در کنسرت‌های موسیقی نیز جای خود را باز کرده‌است به صورتی که خواننده دیگر نیازی به گروه کر ندارد چون به صورت انیمترونیکسی ساخته می‌شود و قسمت‌هایی را که گروه کر باید بخواند ضبط و در جای مناسب پخش می‌کنند. همچنین در زمینه تبلیغات در نمایشگاه‌های مختلف برای جلب توجه مردم عروسکی انیمترونیکس در جایی از نمایشگاه قرار داده می‌شود، که با حرکات خاص خود مردم را برای بازدید از نمایشگاه ترغیب کند. با ام‌عهده‌ترین استفاده از انیمترونیکس در هالیوود بوده‌است چون می‌توانست از هالیوود در سطح وسیعی دیده شود و مخاطب پیدا کند تا از این طریق بتواند زیرمجموعه‌های خودش را به وجود بیاورد.

■ برای انیمترونیکس در سینمای فعلی ایران هم کاربردی می‌بینید؟
صد درصد، اگرچه بسیاری از متخصصان به سینمای ایران لقب سینمای «اندیشه» داده‌اند اما این اندیشه باید شکلی نمایشی پیدا کند که انیمترونیکس در این زمینه می‌تواند کمک خوبی باشد. مخاطب انیمترونیکس از نظر ساختاری طبیعتاً نسل جوان است. در ایران هم نسل جوان اندیشه خاص خود را دارد که البته با اندیشه رایج در سینمای غرب و یا هالیوود فرق می‌کند، و همینطور این اندیشه با طرز تفکر افراد مسن همین جامعه خودمان نیز متفاوت است. اگر در ایران فیلمی تاریخی ساخته می‌شود، مخاطب جوان را کمتر می‌تواند جذب کند و بیشتر مخاطبان آن افراد مسن‌تر و یا روشنفکران هستند.

■ برای انیمترونیکس می‌تواند در ایران هم فیلم‌های تاریخی ساخته که جوانان را نیز جذب کند. جوانان ایرانی که من دیده‌ام فیلم‌های غربی و هالیوودی را که از تکنولوژی‌های روز دنیا چون انیمترونیکس استفاده کرده‌اند، به خوبی می‌شناسند. اما وقتی بحث فیلم‌های ایرانی مطرح می‌شود حتی دوست ندارند نام هنرپیشه‌های ایرانی را بدانند چه برسد به اینکه نام تهیه‌کننده یا فیلمنامه‌نویس آن را بخوانند باندند. و این هم بیشتر به دلیل نوع فیلمنامه‌نویسی ما در ایران است و از نظر من فیلمنامه‌هایی که امروز در سینمای ایران نوشته می‌شوند مسئول اصلی به وجود آمدن این فاصله بزرگ بین مخاطبان نسل جوان و نسل پیشین است. در جامعه ایران خودمان موضوع‌ها و داستان‌های زیادی وجود دارد که می‌توان از آنها به‌عنوان ماده خامی برای ساختن یک فیلم انیمترونیکسی سود جست که مختص همین جامعه باشد و نه اینکه رنگ و بوی هالیوودی داشته باشد. چون فیلم انیمترونیکسی که در ایران ساخته می‌شود باید مختص خود ایران باشد و تعریف خاص خودش را داشته باشد و جایگاه خودش را در جامعه و نزد مخاطبان پیدا کند و من مطمئنم که این اتفاق خواهد افتاد.

پیش از پخش یک فیلم سینمایی در سینما و تلویزیون در اختیار مخاطبان قرار نمی‌گیرد بنابراین مخاطب ایرانی عادت کرده خودش قضاوت کند و در مورد نحوه ارائه شدن هر فیلمی برداشت خود را داشته باشد. مثلاً ما فیلمی سه‌قسمتی و انیمترونیکسی درباره دایناسورها ساخته‌ایم که گویا چند ماه پیش از شبکه پنج تلویزیون پخش شده‌است. بسیاری از بینندگان تصور کرده بودند که برای ساخت این فیلم فقط از تکنیک CGI استفاده شده‌است اما این تصور برای مخاطبان غربی هیچگاه پیش نیامد چرا که در آنجا رسم بر آن است که قبل از اکران و یا پخش شدن یک فیلم درباره نحوه ساخته شدن و نیز سایر مسایل مربوط به آن آگاهی پیدا می‌کنند.

■ در تولیدات سینمایی اخیر هم دست داشته‌اید؟

بله، در فیلم «جیمز باند» جدید («کازینو رویال») که این روزها در لندن ساخته می‌شود هم کار کرده‌ام که به‌خاطر رعایت مسایل کپی‌رایت توضیح زیادی نمی‌توانم بدهم. انیمترونیکس به آن معنای گسترده در این فیلم نقشی مستقیم ندارد اما انفجارهایی صورت می‌گیرد که ایده‌ها و طراحی این انفجارها بر عهده انیمترونیکس است. البته ما بیشتر نقش مشاور را در



سال سوم ■ شماره ۷۵۶ *شوق* <sup>روزانه</sup>

## گزارش اکران

## گیشه در تسخیر کمدی‌ها بدون آتش‌بس

## کیان محمدی

اکران فیلم تازه ته‌مینمه میلانی یک تکان اساسی برای سالن‌هایی بود که کم‌کم داشتند در رخوت اکران نوروزی فرو می‌رفتند. درست در روزهایی که دیگر کسی برای دیدن زیر درخت هلو صف نمی‌بست و سردرهای فیلم چهارشنبه‌سوری هم رنگ و بوی غبار می‌گرفت، اکران آتش‌بس به جای فیلم اصغر فرهادی دوباره صف‌هایی را که مقابل سالن‌های نمایش‌دهنده گروه آفریقا و سینماهای همراهش از اواخر بهمن‌ماه می‌دیدیم تجدید کرد. آتش‌بس از آن نمونه‌های اکران درست در وقت مناسب است. بگذارید از همان چهارشنبه‌سوری شروع کنیم. فیلمی که تا مرز ۴۰۰ میلیون تومان پیش رفت و نشان داد که هنوز هم فیلم‌های اجتماعی با همه تلخی‌شان مخاطب خود را دارند. در این میان البته خیلی‌ها هم فروش خوب فیلم را به حضور هدیه تهرانی پس از مدت‌ها در یک نقش کامل روی پرده مرتبط می‌دانند اما نمی‌توان ویژگی‌های فیلم فرهادی و موج مثبت پس از جشنواره را در فضای که فیلم در آن اکران شد نادیده گرفت. به هر شکل این سومین فیلم بلند کارگردان آثاری چون رقص در غبار و شهرزبیا به سرنوشت آن فیلم‌ها دچار نشد و مخاطبی را که فرهادی جست و جو می‌کرد به دست آورد و بحث‌هایی را که او می‌خواست برانگیخت.

دیگر فیلم‌های اکران نوروز – بخوانید کمدی‌های نوروزی – نمایش خود را هم‌چنان پی می‌گیرند و در بین آنها زیر درخت هلو با تکیه بر حضور مثلث آنتنایش برای مردم موفق‌تر از دو فیلم دیگر است، به ویژه اینکه هلو این حسن را هم دارد که یک فیلم کاملاً خانوادگی و بدون خط قرمز است؛ از آن کارهایی که همه خانواده‌ها می‌توانند بی‌ذغغه و در کنار هم به تماشایش بنشینند. این مسئله را همین بالاتر ایستادن فیلم در آمار فروش مشخص می‌کند. فیلم ایرج طهماسب تا اینجا ی کار حدود ۴۲۰ میلیون فروخته



که میانگین روزانه‌ای در حدود ۸ میلیون تومان را به دست می‌دهد. یک موفقیت کامل برای فیلمی که می‌توان روی فروش شهرستانش هم کاملاً حساب کرد. فیلم دوم میان سه فیلم ازدواج به سبک ایرانی ساخته حسن فتحی است که بیشتر محصول دنیای تصویر بودنش اعتقاد نداشته‌اند. در روزهای اخیر یکی دو مسئله –ازجمله نامه یکی از اعضای شورای مرکزی انجمن منتقدان و پاسخ رئیس انجمن– حول فیلم پیش آمد که شاید اگر عمومی‌تر بود به فروش فیلم هم کمک می‌کرد اما خب داستان زیادی، درون‌سینمایی بود و همین باعث شد ازدواج به سبک ایرانی مسیری را که پیش گرفته‌بود ادامه دهد. البته فروش روزانه ۷ میلیون تومان و ۲۱۰ میلیون تا امروز برای این فیلم علی‌معلم رقم پائینی نیست؛ به ویژه اینکه جرح و تعدیلات روی کار هم کم نبوده‌است اما به هرشکل به نظر نمی‌رسد ازدواج به سبک ایرانی بتواند مرز ۳۰۰ میلیون تومان را رد کند. این رقم مسلماً رقم رویایی دفتر دنیای تصویر که تهیه فیلم را انجام داده نیست. درباره هوو اوضاع بد نیست. فیلمی که به نظر می‌رسد این بار دیگری خواهد فروخت و ذهنیت‌های علیرضا داوودنژاد درست از آب درمی‌آید چوب اکران سریعش پس از هشت پا را خورد. ذهنیت حاصل از دو فیلم آخر فیلمساز نشان داد که حتی اثری به بازمگی هوو هم می‌تواند تحت تاثیر عوامل بیرونی عالی فروشد. اگر البته داوودنژاد اعتقاد نداشته‌است که فروش روزانه ۵ میلیون برای فیلمش کافی بوده. هوو تا اینجا ی اکران پس از ۴۵ روز نمایش ۲۴۰ میلیون تومان فروخته‌است.

است وارد جدول یعنی آتش‌بس اما داستانی جدای از این داستان‌ها دارد. فیلمی خوش‌آب و رنگ با المان‌های مخاطب‌بستند که درست هم ساخته شده و بازیگرانش هم زوجی هستند که تمام فیلم‌های مشترک قبلی‌شان هم در بالای جدول فروش قرار گرفته‌است. آتش‌بس ته‌مینمه میلانی در ژانر بندی خیلی راحت میان کمدی‌های نظیر آنها که صحبت‌ش به میان آمد قرار نمی‌گیرد اما به هرحال یک کمدی عاشقانه جذاب است از آن جنسی‌که منتقدان این سال‌ها روی‌نشان می‌دهند کمدی‌های مگ‌رایانی گذاشته‌اند. کمدی‌هایی که فیلم نمونه‌اش «وقتی هری سالی را ملاقات می‌کند» در دهه هشتاد است.

فیلم پر از شوخی‌های بازمه و موقعیت‌های جذاب کمیک‌است و می‌توان فضای سرخوشانه نیمه اولش را به یک چهارم به شدت بد پایانی‌اش بخشید. به هر شکل فیلم میلانی تا اینجا یعنی یک هفته و چند روزی که اکران شده رقم فروش روزانه ۹ میلیون تومان را داشته‌است و در مجموع ۷۰ میلیون فروخته‌که به نظر می‌رسد تهیه‌کننده و کارگردانش را خوشحال کند. اوضاع در مورد دیگر تازه‌وارد جدول یعنی مربای شیرین البته اینقدرها خوب نیست و فیلم مرضیه برومند تا اینجا پس از حدود سه هفته اکران تنها ۳۰ میلیون تومان فروخته‌است که این بیش از هرچیز به کهنه شدن فیلم و نمایش ۵ سال پس از تولیدش بازمی‌گردد. این دوسه هفته آخری است که سینما می‌تواند نفس بکشد. کم‌کم تب جام جهانی از راه می‌رسد و مسلماً دیگر کسی برای سینما وقت چندانی نخواهد گذاشت. تب فوتبال‌تبی همه‌گیر است.